

ادبیات زن محورانه در ادب فارسی*

طلعت کاویان پور (استادیار)**

چکیده

در این مقاله قبل از ورود به مبحث ادبیات زن محورانه در ادب فارسی، ابتدا زن از بُعد جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به دلایل مطروحه در اصل مقاله به این باور می‌رسیم که: نگاه به جهان از چشم‌انداز زنان که تاکنون از ورود به عرصه تولید دانش محروم بوده‌اند، ضروری است. سپس به تحولات و دگرگونی که در چند دهه اخیر در ادبیات و در نقد ادبی اروپایی به‌وقوع پیوسته، پرداخته شده است.

پس از گذشتن از این مرحله، وارد فضای ادب کهن فارسی می‌شویم که خالی از نگرش زنانه است و به این نکته مهم اشاره داریم که در فضا و محتوای ادبیات قدیم و در تاریخ چند هزار ساله ما، زن، نیمه پنهان نااندیشیده‌ای است که همواره به‌صورت شیء از او استفاده شده است.

سپس مکتب خراسانی را که مرد - مدارترین شکل ادبی است هم در زبان و هم در موضوع مورد بررسی قرار داده‌ایم. در این مرحله، به موضوع «زبان روانشناختی» در ادبیات به‌ویژه در رمان پرداختیم. با توجه به این ویژگی که زبان بخشی از شخصیت و روان‌شناسی شخصیت است، شعر فروغ و سهراب سپهری را در زبان، نگرش و برداشت در مسایل، بررسی و بعد رمان «سنگی بر گوری» جلال آل‌احمد را با «سووشون» خانم دانشور مقایسه کرده و در خلال همین بررسی اشاره شده است که زنان در رمان و نوشته‌های مردان ما، در دو قطب «اثیری» و «لکاته» سیر می‌کنند.

در بخش پایانی مقاله با رویکرد به ساختار و محتوای مقاله آمده است که: در فضای فرهنگی امروز ایران، به حد کافی مطلب، مقاله، رمان، قصه کوتاه و شعر از زنان نویسنده و شاعر در اختیار داریم تا بگویم پدیده‌ای به نام «بوطیقای ادبی زنان» به عنوان تئوری در حال شکل گرفتن است.

* - این مقاله نتیجه طرحی است که برای دانشگاه صنعتی شریف از سوی نگارنده، تحقیق و نگارش یافته است.

** - عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف